

اثر فواصل ردیف کاشت بر درصد جذب تابش، عملکرد دانه و شاخص‌های رشد ارقام کلزا (*Brassica napus* L.) در کشت دوم بعد از برنج Effect of row spacing on light interception, grain yield and growth indices of rapeseed (*Brassica napus* L.) cultivars as second crop following rice

محمد هادی حسین‌زاده^۱، مسعود اصفهانی^۲، محمد ربیعی^۳ و بابک ربیعی^۴

چکیده

حسین‌زاده، م. ه. م. اصفهانی، م. ربیعی، و ب. ربیعی. ۱۳۸۷. اثر فواصل ردیف کاشت بر درصد جذب تابش، عملکرد دانه و شاخص‌های رشد ارقام کلزا (*Brassica napus* L.) در کشت دوم بعد از برنج. مجله علوم زراعی ایران. ۱۰ (۳): ۲۸۱-۳۰۲.

به منظور بررسی اثر فواصل ردیف کاشت بر عملکرد دانه و تغییرات شاخص‌های رشد ارقام کلزا (*Brassica napus* L.) به صورت کشت دوم در اراضی شالیزاری، آزمایشی طی دو سال زراعی ۸۳-۱۳۸۲ و ۸۴-۱۳۸۳ در مؤسسه تحقیقات برنج کشور (رشت) اجرا شد. آزمایش به صورت اسپلیت پلات با طرح پایه بلوک‌های کامل تصادفی در چهار تکرار انجام شد. چهار رقم کلزا به نام‌های Hyola308، RGS003، PF7045/91 (ساری گل) و Hyola401 به عنوان عامل اصلی و سه فاصله ردیف کاشت ۲۰، ۲۵ و ۳۰ سانتی‌متر با تراکم ثابت ۴۰ بوته در متر مربع به عنوان عامل فرعی در نظر گرفته شدند. نتایج حاصل از تجزیه مرکب داده‌های دو ساله نشان داد که رقم ساری گل (PF7045/91) در هر دو سال دارای حداکثر سرعت رشد نسبی (RGR) ۴/۲۹ گرم بر گرم در ۱۰ درجه روز - رشد، سرعت رشد گیاه (CGR) ۹/۲۵ گرم بر متر مربع در ۱۰ درجه روز - رشد، شاخص سطح برگ (LAI) ۱/۸۹ و سرعت جذب خالص (NAR) ۱۵/۸۹ گرم بر متر مربع در ۱۰ درجه روز - رشد، عملکرد دانه (۲۰۴۳ کیلو گرم در هکتار) و درصد روغن دانه (۳۴/۱۹ درصد) بود و از این لحاظ اختلاف معنی داری در سطح احتمال یک درصد با سایر ارقام داشت و رقم Hyola308 از نظر شاخص‌های فوق کمترین مقدار را دارا بود. مقایسه تأثیر فواصل ردیف کاشت بر شاخص‌های رشد ارقام مورد مطالعه نشان داد که فاصله ردیف کاشت ۲۰ سانتی‌متر نسبت به سایر فواصل کاشت دارای بیشترین RGR ۴/۲۸ گرم بر گرم در ۱۰ درجه روز - رشد، CGR ۶/۹۸ گرم بر متر مربع در ۱۰ درجه روز - رشد، LAI ۱/۷۰۶، NAR ۱۰/۲۵ گرم بر متر مربع در ۱۰ درجه روز - رشد، عملکرد دانه (۱۷۷۷ کیلو گرم در هکتار) و درصد روغن (۳۳/۳۵ درصد) در هر دو سال آزمایش بود و از لحاظ LAI و NAR اختلاف معنی داری با سایر فواصل ردیف کاشت داشت. رقم PF7045/91 بیشترین و رقم Hyola308 کمترین درصد جذب تابش (به ترتیب ۷۵/۵ و ۶۱/۵ درصد) را در بین ارقام کلزا داشتند و فاصله ردیف کاشت ۲۰ سانتی‌متر نیز بیشترین درصد جذب تابش (۶۸/۵ درصد) را دارا بود. به طور کلی رقم PF7045/91 دارای حداکثر سرعت رشد نسبی (RGR)، سرعت رشد گیاه (CGR)، شاخص سطح برگ (LAI)، سرعت جذب خالص (NAR)، درصد جذب تابش، عملکرد دانه و درصد روغن دانه بود و فاصله ردیف کاشت ۲۰ سانتی‌متر با وجود عدم اختلاف معنی دار از لحاظ صفات ذکر شده نسبت به فواصل دیگر برتری داشت.

واژه‌های کلیدی: جذب تابش، شاخص‌های رشد، فاصله ردیف کاشت، کلزا، عملکرد دانه و درصد روغن.

تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۲/۲۵

۱- دانشجوی سابق کارشناسی ارشد زراعت دانشکده علوم کشاورزی دانشگاه گیلان

۲- دانشیار دانشکده علوم کشاورزی دانشگاه گیلان (مکاتبه کننده) Email address: mesfahan@yahoo.com

۳- پژوهشگر مؤسسه تحقیقات برنج کشور

۴- استادیار دانشکده علوم کشاورزی دانشگاه گیلان

رشد و نمو گیاه فرایند های اساسی برای ادامه حیات و تکثیر یک گونه است. این مراحل پیوسته در طول دوره زندگی ادامه داشته و بستگی به وجود مریستم ها، مواد فتوسنتزی، هورمون ها و دیگر مواد رشد و یک محیط مناسب دارد. در فیزیولوژی گیاهان زراعی منظور از رشد، افزایش میزان ماده خشک گیاه است. تولید ماده خشک گیاهی به عنوان تابعی از نور جذب شده در طول دوره رشد و راندمان استفاده از نور، تحت تأثیر ساختار کانوپی است (Beheshti et al., 2002). یکی از پیش شرط های لازم برای دستیابی به عملکرد بالا، تأمین شرایط مطلوب برای استفاده از تابش به منظور تولید مواد فتوسنتزی در بالاترین حد کارایی آن است (Muchow et al., 1990). این هدف با تغییر تراکم بوته و توزیع بوته ها در واحد سطح زمین میسر است (Ganjali et al., 1997). توزیع یکنواخت بوته بر توزیع مناسب تابش در درون پوشش گیاهی مؤثر است، بنابراین تأثیر مهم آرایش کاشت بر تولید محصول، عمدتاً به دلیل تفاوت در چگونگی توزیع انرژی خورشیدی است که در نهایت منجر به افزایش جذب تابش و عملکرد بیشتر می شود (Ganjali and Majidi, 1997). بنابراین برای دستیابی به حداکثر محصول علاوه بر داشتن تراکم مطلوب، نحوه توزیع بوته ها و متعاقب آن ساختمان پوشش گیاهی از اهمیت زیادی برخوردار است (Egli, 1991). در این ارتباط محققان اظهار داشتند که آرایش هندسی مناسب گیاهان در مزرعه موجب توزیع یکنواخت تابش در داخل پوشش گیاهی شده و ممکن است عملکرد را افزایش دهد (Duncan, 1986). یکی از راهکارها برای رسیدن به این هدف تغییر فواصل ردیف کاشت است. توزیع یکنواخت بوته های مزرعه بر توزیع تابش در درون پوشش گیاهی مؤثر است، بنابراین اثر اصلی فاصله کاشت و آرایش کاشت بر تولید محصول عمدتاً به دلیل تفاوت در چگونگی توزیع انرژی خورشیدی است که

نهایتاً منجر به افزایش افزایش جذب تابش و عملکرد می شود. محققان وجود همبستگی مثبت بین عملکرد دانه و شاخص سطح برگ موجود در اواسط گل دهی را در کلزا گزارش کردند (Gabrielle et al., 1998) و (Thurling, 1974). نقش برگ ها در عملکرد می تواند در تعیین اندازه مقصد هایی نظیر تعداد خورجین در گیاه مهم باشد. در همین رابطه برخی محققان معتقدند که در شاخص سطح برگ برابر، در ردیف های باریک تر، به علت توزیع یکنواخت تر برگ ها، جذب تابش بیشتر از ردیف های پهن بود (Shaw and Weber, 1967). موریسون و همکاران (Morrison et al., 1990b) در همین مورد اظهار داشتند که گیاهانی که در فاصله ردیف ۱۵ سانتی متر کاشته شده بودند، در مقایسه با فاصله ردیف ۳۰ سانتی متر، مقدار ماده خشک در واحد سطح و طول رویش آنها زیادتر بود و در نتیجه شاخص سطح برگ بیشتری داشتند. در ضمن تحقیقات نشان داده است که گیاهانی که در فاصله ردیف ۱۵ سانتی متر کاشته شده بودند، بسته شدن کانوپی آنها ۲ تا ۳ روز زودتر صورت گرفت (Johnson and Hanson, 2003). موریسون و همکاران (Morrison et al., 1990a) گزارش کردند که گیاهانی که در فاصله ردیف ۱۵ سانتی متر کاشته شده بودند در مقایسه با فاصله ردیف ۳۰ سانتی متر، عملکرد بیشتری داشتند. جانسون و هنسون (Johnson and Hanson, 2003) گزارش کردند که عملکرد بیشتر در فاصله کشت باریک تر نسبت به ردیف های عریض تر، به دلیل توزیع یکنواخت بوته ها است که باعث توزیع مناسب تابش خورشیدی در پوشش گیاهی شده و در نتیجه باعث کاهش رقابت درون گونه ای می شود و این موضوع باعث افزایش تعداد خورجین در هر بوته می شود.

شاخص سطح برگ در ارتباط تنگاتنگ با سطح برگ بوده و سطح برگ روی تولید ماده خشک گیاه اثر دارد. آلن و مورگان (Allen and Morgan, 1972) گزارش کردند که با توجه به اینکه برگ های کلزا در

شاخص‌های رشد، صفات عملکرد دانه، درصد روغن دانه و درصد جذب تابش نیز مورد بررسی قرار گرفتند.

مواد و روش‌ها

این آزمایش طی دو سال زراعی ۸۳-۱۳۸۲ و ۸۴-۱۳۸۳ در مزرعه مؤسسه تحقیقات برنج کشور واقع در رشت با عرض جغرافیایی ۳۷ درجه و ۱۶ دقیقه شمالی و طول جغرافیایی ۵۱ درجه و ۳ دقیقه شرقی از نصف النهار گرینویچ به اجرا گذاشته شد. میانگین دمای هوا، میزان بارندگی و مجموع ساعات آفتابی ماهانه دو سال اجرای آزمایش در جدول یک ارائه شده است (جدول ۱). خاک محل اجرای آزمایش دارای ۴ درصد شن، ۵۲ درصد سیلت و ۴۴ درصد رس بوده و در کلاس بافتی سیلتی-رسی قرار دارد و اسیدیته آن ۶/۹ بود.

این آزمایش بصورت اسپلیت پلات در قالب طرح بلوک‌های کامل تصادفی در چهار تکرار انجام شد که در آن فاکتور اصلی شامل چهار رقم Hyola308 (بهاره و زودرس)، RGS003 (بهاره و متوسط‌رس)، ساری گل یا PF7045/91 (بینابین و دیررس) و Hyola401 (بهاره و متوسط‌رس) و فاکتور فرعی شامل سه فاصله ردیف کاشت ۲۰، ۲۵ و ۳۰ سانتی‌متر (با تراکم ثابت ۴۰ بوته در متر مربع) بود. برای ایجاد دقیق فواصل ردیف کاشت مورد نظر، کشت به صورت نشایی انجام شد. زمین محل اجرای آزمایش در سال‌های ۸۲ و ۸۳ زیر کشت برنج بود. در هر کرت فرعی، فواصل ردیف ۲۰، ۲۵ و ۳۰ سانتی‌متر، به ترتیب شامل ۱۰، ۸ و ۷ خط کاشت به طول ۴ متر و فاصله بوته‌ها روی ردیف به ترتیب ۱۲/۵، ۱۰ و ۸/۳ سانتی‌متر در نظر گرفته شدند. برای جلوگیری از غرقاب شدن زمین و خروج آب اضافی، زه‌کش‌هایی در اطراف و بین کرت‌های اصلی حفر شدند. بعد از برداشت برنج در اواخر شهریور، عملیات شخم توسط تیلر انجام و همراه با شخم، ۱۵۰ کیلوگرم در هکتار فسفر از منبع سوپر فسفات تریپل، ۱۰۰ کیلوگرم در هکتار پتاس از منبع سولفات پتاسیم به خاک داده شد و

هنگام شروع رشد خورجین پیر شده و می‌ریزند، مواد فتوسنتزی کمی را برای تشکیل دانه تامین کرده یا اینکه نقشی در آن ندارند. اسکات و همکاران (Scott *et al.*, 1973b; Scott *et al.*, 1973a) پیشنهاد کردند که چون برگ‌ها در زمانی که خورجین‌ها کوچک هستند، پیر شده‌اند، ساقه‌ها و خورجین‌ها باید مقادیر قابل توجهی مواد پرورده را برای رشد دانه تامین کنند. در مراحل مختلف چرخه زندگی گیاه، شاخص سطح برگ (LAI) و آرایش فضایی اندام‌های هوایی گیاهی عوامل مؤثری در مقدار جذب تابش ورودی به درون پوشش گیاهی هستند (Dwyer *et al.*, 1992). احمدوند و کوچکی (Ahmadvand and Koocheki, 1998) در بررسی اثر تراکم و آرایش کاشت بر عملکرد سویا گزارش کردند که در تمام مراحل رشد، LAI در فاصله ردیف کاشت ۲۰ سانتی‌متر همواره از دو فاصله ردیف ۲۵ و ۳۰ سانتی‌متر بیشتر بود و تفاوت بین دو فاصله ردیف کاشت ۲۵ و ۳۰ سانتی‌متر در اوایل فصل رشد جزئی بوده و در مراحل انتهایی فصل نیز اختلافی مشاهده نشد. برخی محققان نیز بیان داشته‌اند که در یک تراکم ثابت، با کاهش فاصله ردیف‌های کاشت، فضای رشدی هر بوته افزایش یافته و برگ‌ها توسعه مناسب‌تری می‌یابند (Shaw and Weber, 1967; Shibbles and Weber, 1995). کلارک و سیمپسون (Clarke and Simpson, 1978a) نشان دادند که سرعت رشد گیاه با LAI تا مقدار حدود ۳ رابطه خطی دارد، ولی با افزایش بیشتر LAI، به مقدار ناچیزی افزایش پیدا می‌کند، زیرا در LAI حدود ۳ تقریباً کل تابش ورودی دریافت می‌شود. رائو و همکاران (Rao *et al.*, 1991) گزارش کردند که کاهش سطح برگ‌ها و به تبع آن نفوذ بهتر نور و نوردهی بهتر برگ‌های کوچک، منجر به افزایش راندمان رشد گیاه کلزا می‌شود.

هدف از انجام این تحقیق، مطالعه اثر فواصل ردیف کاشت بر شاخص‌های رشد در چهار رقم کلزا بود. در این تحقیق به منظور تفسیر بهتر نتایج علاوه بر

جدول ۱- اطلاعات هواشناسی برای فصل زراعی در ایستگاه تحقیقاتی مؤسسه تحقیقات برنج کشور در رشت در سال های ۱۳۸۳-۱۳۸۴ و ۱۳۸۲-۱۳۸۳

Table 1. Meteorological information for field station of Rice Research Institute of Iran in 2003-2004 and 2004-2005 cropping seasons.

Month	ماه	دما (درجه سانتیگراد) Temperature (°C)				مجموع نزولات (میلی متر) Total precipitation (mm)		مجموع ساعات آفتابی Total sunny hours	
		۱۳۸۲-۱۳۸۳ 2003-2004		۱۳۸۳-۱۳۸۴ 2004-2005		۱۳۸۲-۱۳۸۳ 2003-2004	۱۳۸۳-۱۳۸۴ 2004-2005	۱۳۸۲-۱۳۸۳ 2003-2004	۱۳۸۳-۱۳۸۴ 2004-2005
		کمینه Min.	بیشینه Max.	کمینه Min.	بیشینه Max.				
Dec.	دی	4.4	14.9	2.5	12.6	58.2	188.6	112.1	130
Jan.	بهمن	5.4	16.1	0.6	8.3	55.9	256.9	135.3	81.6
Feb.	اسفند	5.6	13.3	5	15.4	172.4	50.1	79.3	106.2
Mar.	فروردین	8.2	19.7	7.1	17.9	164.4	97	218.2	153
Apr.	اردیبهشت	13.6	21.7	13.9	22.4	77.2	53.5	118.6	141.7
May.	خرداد	16.8	26	18.3	27.6	70.9	54.4	232.5	234.9
Mean.	میانگین	9.0	18.6	7.9	17.3				
Total	مجموع					599	700.5	896	847.4

همچنین ۱۰۰ کیلوگرم در هکتار نیتروژن از منبع اوره، قبل از نشاکاری، به خاک اضافه گردید. برای کنترل علف‌های هرز از علف کش ترفلان، به میزان ۲/۵ لیتر در هکتار قبل از کاشت استفاده شد. انتقال گیاهچه های کلزا به زمین اصلی در مرحله ی ۵ تا ۷ برگی (مراحل رشدی ۱/۰۵ تا ۱/۰۷ بر اساس جدول کد بندی سیلوستر- برادلی و میکپیس) (Sylvester Bradley and Makepeace, 1984) انجام گرفت. حدود یک ماه بعد، عملیات وجین به صورت دستی انجام شد. پس از رفع کامل سرمای زمستانه، کود نیتروژن سرک در دو مرحله (قبل از ساقه رفتن و قبل از گل دهی، به ترتیب در مراحل رشدی ۲ و ۳/۳) به میزان ۱۰۰ کیلوگرم در هکتار از منبع اوره مصرف شد. در طول دوره رشد گیاهان هیچ گونه بیماری و آفتی مشاهده نشد. با توجه به کفایت نزولات جوی در طول دوره رویش، آبیاری انجام نشد. در سال دوم به دلیل بارش سنگین برف، تعداد محدودی از گیاهچه ها از بین رفتند که در مرحله رشدی ۱/۰۶ مبادرت به واکاری شد. مطالعه مراحل فنولوژیک با دیده بانی ۲ روز یک بار از مزرعه روی ۳ بوته از هر کرت فرعی و بر اساس کدبندی سیلوستر- برادلی و میکپیس انجام شد. پس از استقرار کامل گیاهچه ها در زمین و رشد مجدد آنها، نمونه برداری از مزرعه انجام شد. هر ۱۴ روز یک بار با رعایت اثر حاشیه‌ای نمونه برداری صورت گرفت و به طور تصادفی بوته‌های موجود در ۰/۲۵ مترمربع از هر کرت فرعی برداشت شدند (اولین نمونه برداری در مرحله رشدی ۲/۲ و آخرین نمونه برداری در مرحله رشدی ۶/۸ - بر اساس جدول کد بندی سیلوستر- برادلی - انجام شد). سپس این بوته ها در پلاستیک‌های جداگانه و شماره گذاری شده قرار داده

شدند و برای مراحل بعدی به آزمایشگاه منتقل گردیدند. برای اندازه گیری سطح برگ بوته های برداشت شده، پس از جداسازی برگ ها از ساقه، سطح آنها بوسیله دستگاه اندازه گیری سطح برگ (مدل Li-COR-USA) اندازه گیری شد. پس از اندازه گیری سطح برگ، برگ ها و مجموع ساقه و خورجین هر گیاه، بطور جداگانه در پاکت‌های کاغذی قرار داده شد. وزن خشک نمونه ها پس از خشکانیدن آنها در دمای ۷۵ درجه سانتیگراد به مدت ۴۸ ساعت در آون، توسط ترازو توزین شد. برای مطالعه شاخص‌های رشد شامل سرعت رشد نسبی^۱ (RGR) سرعت رشد محصول^۲ (CGR)، شاخص سطح برگ^۳ (LAI) و NAR از سه عامل وزن خشک کل گیاه^۴ (TDW)، وزن خشک برگ^۵ (LDW) و تغییرات سطح برگ^۶ (LA) استفاده شد. برای تعیین روند رشد گیاه از واحد درجه روز- رشد^۷ (GDD) استفاده شد. برای این منظور از آمار هواشناسی شامل حداقل و حداکثر درجه حرارت استفاده گردید. درجه حرارت پایه گیاهی (T_b) برای کلزا، ۵ درجه سانتی گراد در نظر گرفته شد (Sidlauskas and Bernotas, 2003). برای تعیین درصد جذب تابش^۸ (LI%) پس از بسته شدن کامل سایه‌انداز گیاهی، در مراحل رشدی ۵/۴، ۵/۹ و ۶/۶، در روزهای کاملاً آفتابی، بین ساعات ۱۱ تا ۱۳، مقدار تابش فعال فتوسنتزی^۹ (PAR)، با استفاده از دستگاه سنجش تابش (Skye Instruments LTD, UK)، در بالا و عمق سایه انداز در ۴ نقطه از هر کرت فرعی اندازه گیری و میانگین آنها به عنوان تابش دریافتی در محدوده PAR برای هر کرت فرعی در نظر گرفته شد (Singer, 2001). برای تعیین درصد جذب تابش (LI%) از رابطه زیر استفاده شد (Wells et al., 1991):

$$LI\% = (1 - I/I_0) \times 100 \quad (1)$$

I = میزان تابش در زیر سایه انداز گیاهی I₀ = میزان تابش در بالای سایه انداز گیاهی.

1- Relative Growth Rate

3- Leaf Area Index

5- Leaf Dry Weight

7- Growing Degree Days

9- Photosynthetic Active Radiation

2- Crop Growth Rate

4- Total Dry Weight

6- Leaf Area

8- Light Interception

کلیه محاسبات آماری شامل تجزیه واریانس و مقایسه میانگین‌ها با استفاده از نرم افزار SAS نسخه ۶/۱۲ و SPSS نسخه ۱۱/۹ و ترسیم نمودارها با نرم افزار Excel نسخه ۲۰۰۳ انجام شد. ضرایب همبستگی با استفاده از نرم افزار SPSS (روش Pearson) انجام گرفت.

نتایج و بحث

میانگین دمای حداقل و حداکثر، میزان بارندگی و مجموع ساعات آفتابی ماهیانه در دو سال زراعی ۸۳-۱۳۸۲ و ۸۴-۱۳۸۳ در جدول یک ارائه شده است (جدول ۱). میانگین حداقل و حداکثر دما در سال زراعی ۱۳۸۳ نسبت به سال زراعی ۱۳۸۲، به ترتیب ۱/۱ و ۱/۳ درجه سانتیگراد خنک تر بود. در سال زراعی ۱۳۸۲ و در ماههای دی و بهمن که زمان استقرار گیاهچه‌های کلزا در زمین اصلی بود، دمای هوا بسیار مناسب بود، اما در سال زراعی ۱۳۸۳ کاهش شدید دما به خصوص در بهمن ماه (به دلیل بارش سنگین برف در اواخر بهمن ماه) باعث شد که بر خلاف سال اول، گیاهچه‌های کلزا رشد رویشی مناسبی قبل از گلدهی نداشته باشند. میزان بارندگی در سال ۱۳۸۳ نسبت به سال ۱۳۸۲، ۱۶/۹ میلی متر بیشتر بود، اما در سال ۱۳۸۳ میزان بارندگی در ماههای اسفند، فروردین، اردیبهشت و خرداد که مقارن با رشد و نمو گیاه و پر شدن دانه‌هاست، کمتر بود. میانگین ساعات آفتابی در سال ۱۳۸۳ نسبت به سال ۱۳۸۲، ۸/۱ ساعت کاهش داشت. مجموع شرایط محیطی (دما، بارندگی و مجموع ساعات آفتابی) در سال اول آزمایش (۱۳۸۲) نسبت به سال دوم آزمایش (۱۳۸۳) برای رشد گیاه کلزا (در شرایط این آزمایش) مناسب‌تر بود. در نتیجه اثر سال بر روی همه صفات مورد بررسی در این آزمایش در سطح احتمال یک درصد معنی دار بود (جدول ۲). برای جلوگیری از تکرار، این موضوع در ارائه نتایج مربوط به صفات مورد بررسی قید نخواهد شد.

درصد جذب تابش

بررسی مقدار درصد جذب تابش (در محدوده PAR)

برای ارقام کلزا و فواصل ردیف کاشت مختلف در دو سال آزمایش نشان داد که رقم ساری گل یا PF7045/91 بیشترین درصد جذب تابش و رقم Hyola308 کمترین مقدار درصد جذب تابش را داشتند. همچنین فاصله کشت ۲۰ سانتی متر بیشترین درصد جذب تابش را داشت (شکل‌های ۱، ۲، ۵ و ۶).

به طور کلی تولید ماده خشک گیاهی و در نهایت دستیابی به عملکرد بالا به طور مستقیم به مقدار نور جذب شده توسط پوشش گیاهی بستگی دارد و در این میان سطح برگ و آرایش فضایی اندام‌های هوایی از عوامل مؤثر و مهم در مقدار جذب تابش ورودی به پوشش گیاهی در مراحل مختلف چرخه زندگی گیاه هستند. بررسی مقدار سطح برگ (LA) ارقام کلزا نشان داد که رقم ساری گل یا PF7045/91 به دلیل دارا بودن سطح برگ بیشتر در دو سال آزمایش، درصد جذب تابش بالاتری نسبت به ارقام دیگر داشت و رقم Hyola308 که دارای کمترین مقدار سطح برگ در هر دو سال آزمایش بود به دلیل کم بودن سطح برگ و کامل نبودن پوشش گیاهی قسمت عمده‌ای از تابش ورودی به پوشش گیاهی را جذب نکرده و کمترین درصد جذب تابش را داشت. بررسی محققان نشان داده است که جذب تابش با سطح برگ (LA) رابطه مستقیم دارد و با افزایش سطح برگ، میزان دریافت تابش هم بیشتر می‌شود، اما چون افزایش سطح برگ در زمان گلدهی متوقف می‌شود، مدیریت‌های زراعی باید به ترتیبی اعمال شود که فتوسنتز گیاه از طریق دریافت تمام یا بخش عمده تابش خورشیدی، به حداکثر برسد (Dwyer et al., 1992 و Shibles and Weber, 1995). در آزمایش حاضر به نظر می‌رسد که رقم ساری گل یا PF7045/91 به دلیل شاخص سطح برگ بیشتر، ارتفاع بلندتر و توزیع مناسب‌تر برگ‌های آن بر روی ساقه‌ها و در نتیجه انتقال بهتر تابش خورشیدی به عمق پوشش گیاهی، از کارایی مصرف تابش بهتری برخوردار بوده (Hosseinzadeh et al., 2007) (۲/۳۳ گرم بر مگاژول)

جدول ۲- تجزیه واریانس مرکب برای صفات گیاهی مورد مطالعه در چهار رقم کلزا در کشت دوم بعد از برنج در دو سال (۱۳۸۳-۱۳۸۴ و ۱۳۸۲-۱۳۸۳)

Table 2- Combined analysis of variance for plant characteristics in fuor rapeseed cultivars as second crop following rice

میانگین مربعات MS							
منابع تغییرات S.O.V	درجه آزادی df	سرعت رشد نسبی RGR ¹	سرعت رشد گیاه CGR ²	شاخص سطح برگ LAI ³	سرعت جذب خالص NAR ⁴	عملکرد دانه GY ⁵	درصد روغن OC ⁶
Year (Y)	سال	1	5.57**	172.09**	10.14**	737.82**	48412062**
R/Year	سال/تکرار	6	0.00008	1.51	0.06	5.009	718988
Cultivar (C)	رقم	3	0.003**	70.21**	1.78**	384.81**	2328743**
C×Y	سال × رقم	3	0.0001**	8.004**	0.24**	169.08**	90420**
Error a	خطای a	18	0.00002	0.55	0.07	0.68	125579
Row Spacing (R)	فاصله کشت	2	0.000005 ^{ns}	0.27 ^{ns}	0.102*	1.92*	42009 ^{ns}
R×Y	سال × فاصله کشت	2	0.00004 ^{ns}	0.33 ^{ns}	0.098*	4.75**	64572 ^{ns}
C×R	رقم × فاصله کشت	6	0.00003 ^{ns}	0.53 ^{ns}	0.72 *	3.86*	109626 ^{ns}
C×R×Y	سال × رقم × فاصله کشت	6	0.00002 ^{ns}	0.73 ^{ns}	0.028 ^{ns}	0.53 ^{ns}	81287 ^{ns}
Error b	خطا b	48	0.00001	0.33	0.022	0.25	73209
CV (%)	درصد ضریب تغییرات	-	1.5	8.4	9.5	5.01	15.5

* and **: Significant at the 5% and 1% levels of probability, respectively

* و **: به ترتیب معنی دار در سطح احتمال ۵٪ و ۱٪.

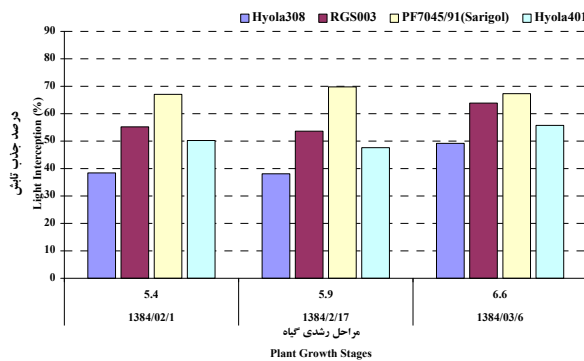
ns: Non- significant

ns: غیر معنی دار

1, 2, ..., 6 are abbreviations for: Relative Growth Rate, Crop Growth Rate, Leaf Area Index, Net Assimilation Rate, Grain Yield and Oil content, respectively.

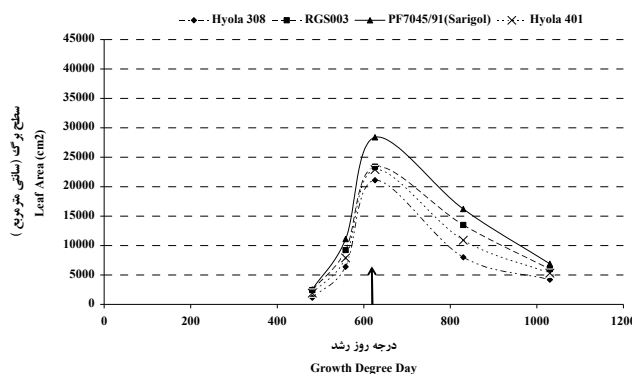
درصد) و حداکثر CGR (به ترتیب شکل‌های ۱۹، ۲۰، ۵ و ۶)، حاصل شد. مزیت دیگر این فواصل ردیف نزدیک‌تر (هم‌فاصله = مربع)، امکان دریافت حداکثر تابش و کاهش رقابت بین بوته‌های روی ردیف می‌باشد (Hossinzadeh *et al.*, 2007). به نظر می‌رسد که بالاتر بودن عملکرد دانه و درصد روغن در فاصله کشت ۲۰ سانتی‌متر (جدول ۳)، به علت بالاتر بودن درصد جذب تابش آن بوده باشد.

و با توجه به ارتباط نزدیک شاخص سطح برگ، دریافت تابش خورشیدی و سرعت رشد گیاه، مقدار CGR در رقم ساری گل یا PF7045/91 بیشتر از سایر ارقام بوده است (شکل‌های ۱۷ و ۱۸) و از بالاترین عملکرد دانه نیز برخوردار بوده است (جدول ۳). این شرایط در فواصل ردیف کاشت نیز وجود داشت، در فاصله کشت ۲۰ سانتی‌متر به دلیل توزیع یکنواخت‌تر اندام‌های هوایی، بالاترین درصد جذب تابش (۶۸/۵)



شکل ۲- درصد جذب تابش برای چهار رقم کلزا در سال زراعی ۱۳۸۳-۱۳۸۴

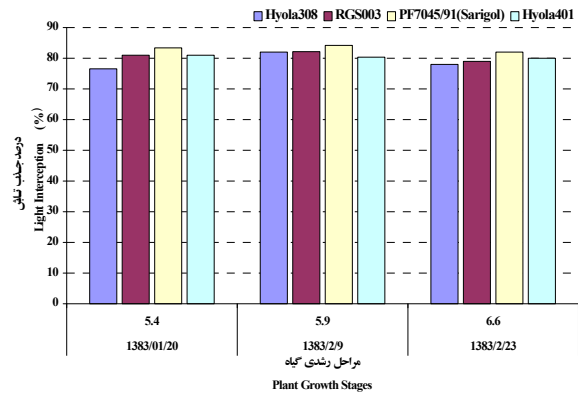
Fig. 2. Light interception (%) for four rapeseed cultivars, in 2004-2005 cropping season



شکل ۴- تغییرات سطح برگ برای چهار رقم کلزا در سال زراعی ۱۳۸۳-۱۳۸۴

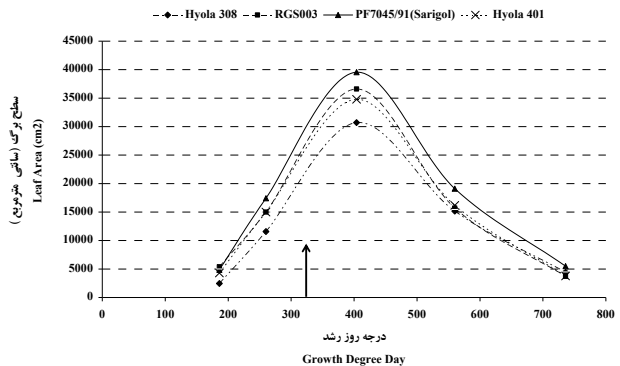
Fig. 4. Variation in leaf area for four rapeseed cultivars, in 2004-2005 cropping season

(پیکان‌ها نشان دهنده ی میانگین زمان گلدهی ارقام کلزا می باشد)
(The arrows indicate the mean of flowering time for rapeseed cultivars)



شکل ۱- درصد جذب تابش برای چهار رقم کلزا در سال زراعی ۱۳۸۲-۱۳۸۳

Fig. 1. Light interception (%) for four rapeseed cultivars, in 2003-2004 cropping season



شکل ۳- تغییرات سطح برگ برای چهار رقم کلزا در سال زراعی ۱۳۸۲-۱۳۸۳

Fig. 3. Variation in leaf area for four rapeseed cultivars, in 2003-2004 cropping season

جدول ۳- اثر سال، رقم و فاصله ردیف کاشت بر میانگین صفات گیاهی مورد مطالعه در چهار رقم کلزا در، به صورت کشت دوم بعد از برنج در دو سال زراعی (۱۳۸۳-۱۳۸۴ و ۱۳۸۲-۱۳۸۳)

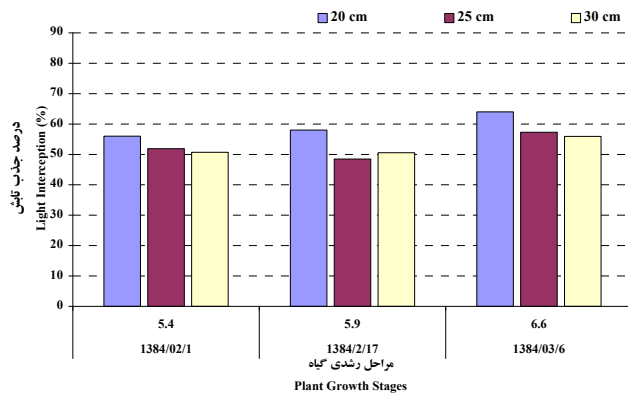
Table 3- Effect of year, cultivar and row spacing on mean of plant characteristics in four rapeseed cultivars as second crop following rice in 2003-2004 and 2004-2005

cropping seasons.												
تیمار	سرعت رشد نسبی RGR (g/g.10GDD)	سرعت رشد محصول CGR (g/m ² .10GDD)	شاخص سطح برگ LAI	سرعت جذب خالص NAR (g/m ² .10GDD)	عملکرد دانه (کیلوگرم در هکتار) GY (kg/ha)	درصد روغن O.C%	تعداد خورجین در بوته NS	عملکرد بیولوژیک (کیلوگرم در هکتار) BY (kg/ha)	طول دوره رویش GD (Day)	ارتفاع بوته (سانتی متر) PH (cm)	تعداد شاخه های فرعی درجه یک AB1	تعداد شاخه های فرعی درجه دو AB2
Treatment	(g/g.10GDD)	(g/m ² .10GDD)	LAI	(g/m ² .10GDD)	(kg/ha)							
Cropping Season فصل زراعی												
2003-2004	4.52b	5.55b	1.97a	7.32b	2448a	34.6a	223.6a	8618a	118.8a	106a	3.3b	4.3a
2004-2005	4.85a	10.64a	1.31b	12.86a	1028b	31.6b	121.5b	4645b	140.7b	69b	4.1a	3.1b
Cultivar رقم												
Hyola308	4.26d	5.15c	1.26c	6.99d	1303b	31.36b	147.2c	4489b	126.8d	69.2c	2.87c	3.33b
RGS003	4.28b	6.63b	1.77ab	9.52b	1817a	33.67a	177.8b	7100a	130.9b	88.2b	3.7b	3.66ab
Sarigol	4.29a	9.25a	1.89a	15.89a	2043a	34.19a	230.9a	7968a	132.7a	103.9a	4.87a	4.45a
Hyola401	4.27c	6.54b	1.63b	7.97c	1788a	33.3ab	134.7c	9697a	128.6c	88.7b	3.58b	3.45b
Row spacing (cm) فاصله ردیف کاشت (سانتی متر)												
20	4.281a	6.98a	1.706a	10.25a	1777a	33.35a	173.2a	6544ab	128.7b	87.3a	3.68a	3.65a
25	4.280a	6.90a	1.609b	9.91b	1731a	32.9a	173.5a	6111b	130.3a	87.6a	3.84a	3.84a
30	4.280a	6.79a	1.607b	10.12ab	1706a	33.15a	171.3a	7238a	130.3a	87.3a	3.75a	3.7a

میانگین هایی، در هر ستون و تیمار، که دارای حداقل یک حرف مشترک می باشند، بر اساس آزمون توکی در سطح احتمال ۵٪ تفاوت معنی دار ندارند.

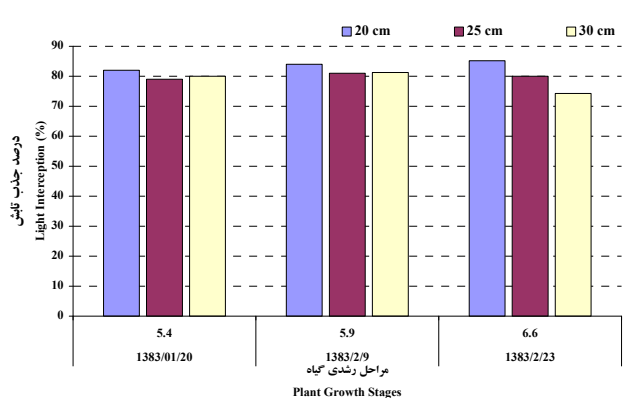
Means, in each column and treatment, followed by at least one letter in common are not significantly different at the 5% probability level-using Tukey's Test.

RGR=Relative Growth Rate, CGR=Crop Growth Rate, LAI=Leaf Area Index, NAR=Net Assimilation Rate,
GY=Grain yield, OC=Oil content, NS= Number of Silique per plant, By=Biological yield,
GD=Growing Duration, PH= Plant Height, AB1= Axillary Branch1, AB2=Axillary Branch2



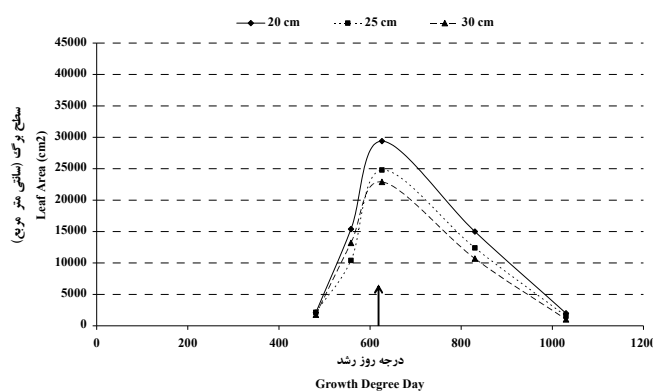
شکل ۶- درصد جذب تابش برای سه فاصله ردیف کاشت در سال زراعی ۱۳۸۳-۱۳۸۴

Fig. 6. Light interception (%) for three row spacing in 2004-2005 cropping season



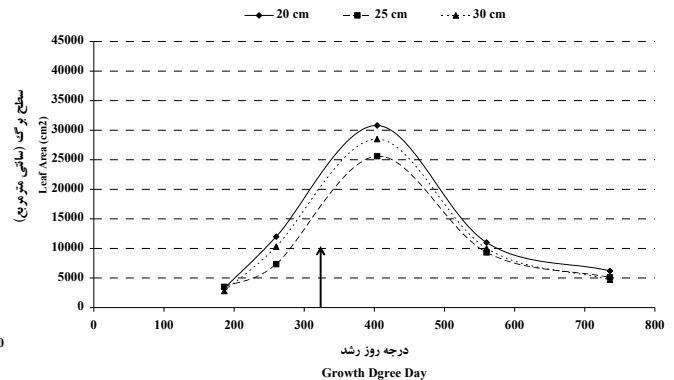
شکل ۵- درصد جذب تابش برای سه فاصله ردیف کاشت در سال زراعی ۱۳۸۲-۱۳۸۳

Fig. 5. Light interception (%) for three row spacing in 2003-2004 cropping season



شکل ۸- تغییرات سطح برگ برای سه فاصله ردیف کاشت در سال زراعی ۱۳۸۳-۱۳۸۴

Fig. 8. Variation leaf area for three row spacing, in 2004-2005 cropping season



شکل ۷- تغییرات سطح برگ برای سه فاصله ردیف کاشت در سال زراعی ۱۳۸۲-۱۳۸۳

Fig. 7. Variation in leaf area for three row spacing, in 2003-2004 cropping season

(پیکان‌ها نشان دهنده ی میانگین زمان گلدهی ارقام کلزا می باشد)

(The arrows indicate the mean of flowering time for rapeseed cultivars)

عملکرد دانه

مشاهده نشد (جدول ۲)، اما فاصله ردیف کاشت ۲۰ سانتی‌متر با میانگین عملکرد ۱۷۷۷ کیلوگرم در هکتار بیشترین و فاصله ردیف کاشت ۳۰ سانتی‌متر با میانگین عملکرد ۱۷۰۶ کیلوگرم در هکتار، کمترین عملکرد دانه را داشتند (جدول ۳). نتایج حاصل از این آزمایش نشان داد که رقم ساری گل (PF7045/91) بدلیل بیشتر بودن

رقم ساری گل (PF7045/91) با میانگین عملکرد دانه ۲۰۴۳ کیلوگرم در هکتار بیشترین و رقم Hyola308 با میانگین عملکرد دانه ۱۳۰۳ کیلوگرم در هکتار، کمترین عملکرد دانه را داشتند (جدول ۳). در این آزمایش بین فواصل کاشت از نظر عملکرد دانه اختلاف معنی‌داری

در اواخر رشد (مرحله رشدی ۶/۶ بر اساس جدول کد بندی سیلویستر-برادلی و میکپیس) که گیاه با کاهش سطح برگ مواجه بود، افزایش یافت (شکل های ۵ و ۶). بنابراین به نظر می رسد که با کاهش فاصله ردیف های کاشت، از طریق کاهش رقابت بین گیاهان برای جذب تابش و مواد غذایی، می توان به عملکردهای بالاتر دانه دست یافت.

درصد روغن

رقم ساری گل (PF7045/91) با میانگین ۳۴/۱ درصد و رقم Hyola308 با میانگین ۳۱/۳ درصد به ترتیب بیشترین و کمترین درصد روغن را داشتند (جدول ۳). نتایج نشان داد که درصد روغن با تغییر فاصله ردیف کاشت، تغییر معنی داری نداشت، اما فاصله ردیف کاشت ۲۰ سانتی متر با میانگین ۳۳/۳، بیشترین درصد روغن را تولید کرد (جدول ۳). نتایج حاصل از این آزمایش نشان داد که رقم ساری گل (PF7045/91) علاوه بر عملکرد دانه، تعداد خورجین در بوته، عملکرد بیولوژیک بیشتر و ارتفاع بوته بلند تر، دارای درصد روغن بالاتری نسبت به ارقام دیگر بود. نتایج یافته های برخی محققان نیز بیانگر بالابودن درصد روغن در رقم ساری گل (PF7045/91) می باشد (Rabiei and Safa, 2004; Rabiei et al., 2004). از نتایج استنباط می شود که با افزایش طول خورجین، تعداد دانه در خورجین زیاد تر و سهم هر دانه از مواد فتوسنتزی کمتر می شود و این موضوع بر درصد روغن تأثیر منفی می گذارد. همچنین با افزایش طول دوره رویش، احتمال مواجهه گیاه با تنش خشکی و دمای بالای آخر فصل بیشتر شده و درصد روغن دانه ها کاهش می یابد. نتایج حاصل از این آزمایش نیز این موضوع را تأیید کرد، به طوری که در سال دوم، طول دوره رویش ۲۱/۹ روز بیشتر و مجموع حرارت دریافت شده (ΣGDD) نیز ۱۰۶ درجه روز رشد بیشتر بود (مجموع حرارت دریافت شده در سال اول و دوم به ترتیب ۱۰۳۶ و ۱۱۴۲ درجه روز-رشد). با توجه به اینکه این آزمایش در شرایط بدون

تعداد خورجین در بوته، تعداد شاخه های فرعی درجه یک و دو، عملکرد بیولوژیک و ارتفاع بوته و درصد جذب تابش دارای عملکرد دانه بالاتری نسبت به ارقام دیگر بود. این نتایج با یافته های برخی محققان دیگر نیز مطابقت دارد (Rabiei and Safa, 2004; Rabiei et al., 2004; Faraji, 2004). یافته های بعضی محققان نیز نشان داده است که فاصله ردیف کاشت تأثیر معنی داری بر عملکرد دانه کلزا ندارد (Johnson and Hanson, 2003 و Jasinska et al., 1991) ولی بیشتر محققان بر این باورند که حداکثر عملکرد دانه زمانی بدست می آید که فاصله ردیف های کاشت نزدیک تر باشند (Cooper, 2002; Andrade and Calvino, 2002; Ozer, 2003) (Egli, 1988). وقتی گیاهان به صورت ردیفی کشت می شوند، رقابت درون گونه ای آنها به علت تغییر در مورفولوژی گیاه و افزایش تعداد منبع و مخزن افزایش می یابد (Keating and Carberry, 1993). موریسون (Morrison, 1990a) گزارش کرد که گیاهانی که در فاصله ردیف ۱۵ سانتی متر کاشته شده بودند، در مقایسه با فاصله ردیف کاشت ۳۰ سانتی متر، عملکرد بیشتری داشتند. جانسون و هنسون (Johnson and Hanson, 2003) نیز گزارش کردند که بیشتر بودن عملکرد دانه در فاصله کاشت باریک تر (فاصله کم تر) نسبت به ردیف های عریض تر، به دلیل توزیع یکنواخت تر بوته ها است که به نوبه خود باعث توزیع مناسب تر تابش خورشیدی در پوشش گیاهی و در نتیجه باعث کاهش رقابت درون گونه ای و زیاد تر شدن تعداد خورجین ها در بوته می شود. بعضی از محققین گزارش کردند که بین عملکرد دانه و حداکثر شاخص سطح برگ همبستگی مثبت و معنی داری وجود دارد (Thurling, 1974; Clarke and Simpson, 1978a). در این آزمایش مشاهده شد که با کاهش فاصله ردیف های کاشت، به دلیل توزیع یکنواخت تر بوته ها در واحد سطح، توزیع تابش در درون پوشش گیاهی نیز بهتر صورت گرفت و درصد جذب تابش، به خصوص

آبیاری (Rainfed) انجام شد، احتمالاً افزایش طول دوره رویش و مواجه شدن گیاهان با شرایط گرم تر اواخر فصل رویش، بر مقدار روغن دانه ها در سال دوم تأثیر منفی داشت و درصد روغن را به طور معنی داری کاهش داد. فرجی (Faraji, 2004) نیز در بررسی اثر فواصل ردیف کاشت بر عملکرد و اجزای عملکرد کلزا گزارش کرد که درصد روغن با طول دوره رویش همبستگی منفی و معنی داری داشت. میلر و کورنیش (Mailer and Cornish, 1987) گزارش کردند که تنش خشکی در اواخر فصل رشد، موجب کاهش درصد روغن کلزا می شود. کانوین (Canvin, 1965) گزارش کرد که دما یکی از مهم ترین عوامل محیطی تأثیر گذار بر مقدار روغن دانه ها محسوب می شود و با افزایش دما، درصد روغن دانه کاهش می یابد. درصد روغن علاوه بر تأثیرپذیری از شرایط محیطی، یک خصوصیت ژنتیکی نیز می باشد و در ارقام مختلف متفاوت می باشد (Rabiei and Safa, 2004; Rabiei et al., 2004). نتایج سایر محققان نیز نشان داده است که فاصله ردیف کاشت تأثیر معنی داری بر درصد روغن ندارد (Ozer, 2003; Johnson and Hanson, 2003).

شاخص سطح برگ (LAI)

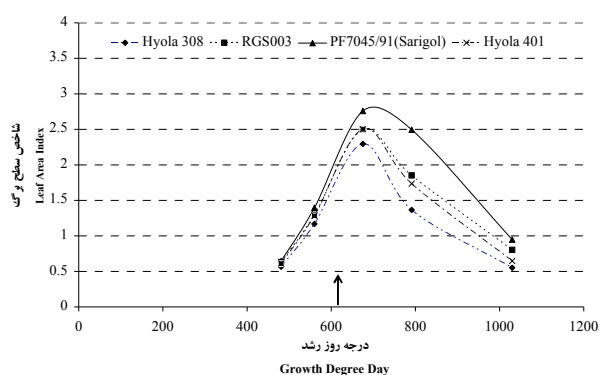
مقدار LAI در مراحل اولیه رشد گیاه به دلیل کم و کوچک بودن برگ ها و کامل نبودن پوشش گیاهی کم است، ولی به تدریج با رشد و افزایش برگ های گیاه، LAI نیز افزایش یافته و به حداکثر خود می رسد و در این حالت تا مدتی ثابت باقی می ماند، اما با پیر شدن گیاه و ریزش برگ ها، LAI نیز کاهش می یابد. شاخص سطح برگ، در پائیز و زمستان به آهستگی افزایش می یابد، اما در بهار به سرعت افزایش یافته و بعد از شروع گلدهی به حداکثر خود می رسد (Koller and Nyquist, 1970; Khaiamim et al., 2002). در این آزمایش نیز روند فوق در هر دو سال آزمایش به خوبی مشاهده شد (شکل های ۹، ۱۰، ۱۱ و ۱۲) به طوری که بین ارقام کلزا از نظر مقدار شاخص سطح برگ، در سطح احتمال یک درصد

اختلاف معنی داری مشاهده شد (جدول ۲). رقم ساری گل (PF7045/91) با میانگین ۱/۸۹ بیشترین و رقم Hyola308 با میانگین ۱/۲۶ کمترین شاخص سطح برگ را داشتند. فاصله ردیف کاشت ۲۰ سانتی متر با میانگین ۱/۷۰۶ بیشترین و فاصله ردیف کاشت ۳۰ سانتی متر با میانگین ۱/۶۰۷ کمترین شاخص سطح برگ را دارا بودند (جدول ۳).

کلارک و سیمپسون (Clarke and Simpson, 1978a) حداکثر شاخص سطح برگ رقم Tower را در نزدیکی زمان آغاز گلدهی مشاهده کردند و گزارش کردند که بعد از گلدهی LAI به سرعت کاهش می یابد. این روند در تمام ارقام مورد آزمایش مشاهده شد به طوری که در تمامی ارقام، حداکثر مقدار LAI در زمان پس از گلدهی مشاهده شد و پس از آن LAI شروع به کاهش کرد. دلیل آن پیری و ریزش برگ ها در انتهای مرحله رشد رویشی و ابتدای رشد زایشی است. باید توجه داشت که ریزش برگ ها در رشد دانه ها و خورجین ها اختلالی ایجاد نمی کند، زیرا برگ های کلزا مواد فتوسنتزی کمی (مرحله رشدی ۶/۱ بر اساس جدول کد بندی سیلوستر - برادلی و میکیس) را برای تشکیل دانه فراهم می کنند و دیواره سبز خورجین ها و ساقه های سبز نیز به طور فعال فتوسنتز کرده و پس از ریزش برگ ها مواد پرورده لازم برای رشد آنها را فراهم می کنند. بررسی محققان نشان داده است که سهم برگ ها، خورجین ها و ساقه ها پس از پایان گلدهی تا بلوغ کامل به ترتیب ۳، ۴۲-۳۶ و ۱۹ درصد و سهم انتقال مجدد (انتقال مواد فتوسنتزی ذخیره شده در ساقه ها) تا قبل از مرحله گلدهی، ۳۵ تا ۴۳ درصد می باشد (Nasiri et al., 2004). چنانکه در شکل های ۱ تا ۸ دیده می شود، با کاهش سطح برگ در اواخر دوره رشد گیاه (شکل های ۳، ۴، ۷ و ۸)، تغییر محسوسی در درصد جذب تابش ارقام و فواصل ردیف های کاشت مشاهده نمی شود و با وجود اینکه گیاه سطح برگ های فعال خود را از دست داده، ولی خللی در تأمین مواد فتوسنتزی برای رشد آن

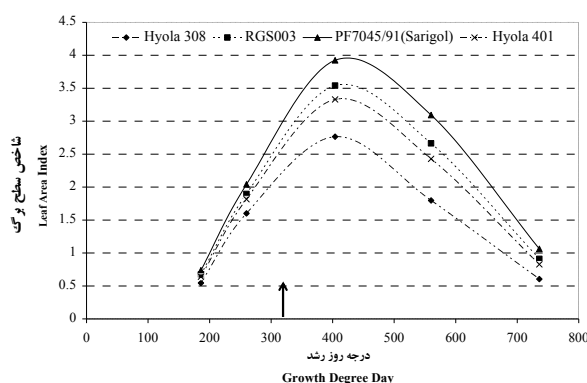
تراکم بیش از حد گیاه در ابتدای رشد مانع از رشد مناسب و یکنواخت آن شده و در مراحل پایانی فصل رویش به دلیل غیر یکنواختی در آرایش فضایی اندام‌های هوایی و رشد نامتعادل، نفوذ نور به لایه‌های زیرین پوشش گیاهی و انتقال مجدد مواد فتوسنتزی، که از عوامل اصلی افزایش عملکرد می‌باشند، دچار اختلال می‌شود. بنابراین در همه‌ی موارد انتخاب تراکم بالا

بوجود نیامده است. همچنین به نظر می‌رسد که ریزش برگ‌های مسن، علاوه بر صرفه‌جویی در مصرف مواد فتوسنتزی، موجب نفوذ بیشتر تابش به داخل پوشش گیاهی، برای فتوسنتز ساقه‌ها و خورجین‌های زیرین شده و باعث افزایش راندمان فتوسنتزی ساقه‌ها و خورجین‌ها می‌شود. باید توجه داشت که انتخاب تراکم مناسب می‌تواند در این ارتباط بسیار مؤثر باشد، زیرا



شکل ۱۰- تغییرات شاخص سطح برگ برای چهار رقم کلزا در سال زراعی ۱۳۸۳-۱۳۸۴

Fig. 10. Variation in leaf area index for four rapeseed cultivars in 2004-2005 cropping season

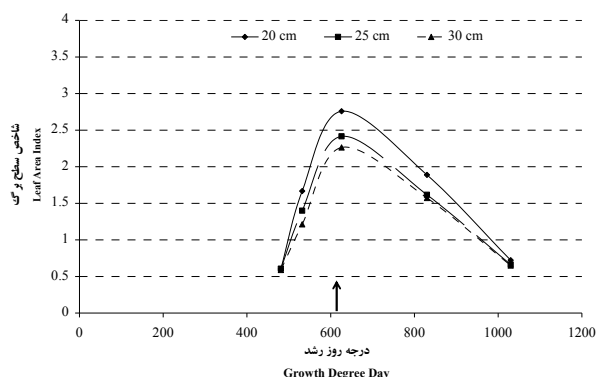


شکل ۹- تغییرات شاخص سطح برگ برای چهار رقم کلزا در سال زراعی ۱۳۸۲-۱۳۸۳

Fig. 9. Variation in leaf area index for four rapeseed cultivars in 2003-2004 cropping season

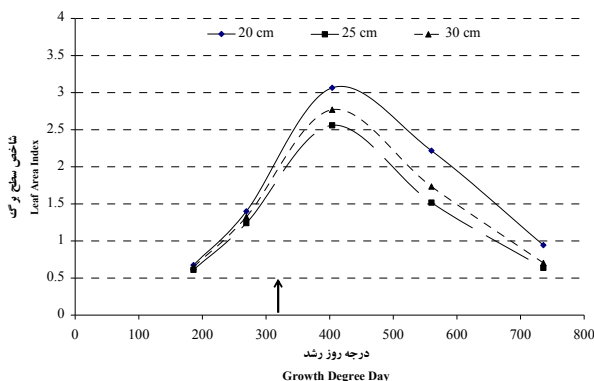
(پیکان‌ها نشان دهنده میانگین زمان گلدهی ارقام کلزا می‌باشد)

(The arrows indicate the mean of flowering time for rapeseed cultivars)



شکل ۱۲- تغییرات شاخص سطح برگ برای سه فاصله ردیف در سال زراعی ۱۳۸۳-۱۳۸۴

Fig. 12. Variation in leaf area index for three row spacing in 2004-2005 cropping season



شکل ۱۱- تغییرات شاخص سطح برگ برای سه فاصله ردیف در سال زراعی ۱۳۸۲-۱۳۸۳

Fig. 11. Variation in leaf area index for three row spacing in 2003-2004 cropping season

(پیکان‌ها نشان دهنده میانگین زمان گلدهی ارقام کلزا می‌باشد)

(The arrows indicate the mean of flowering time for rapeseed cultivars)

مفید نبوده و تراکم بایستی بر اساس نوع گیاه، نیازهای اکولوژیک گیاه در طول فصل رویش (به خصوص انتهای فصل) و شرایط محیطی، انتخاب شود.

سرعت رشد نسبی (RGR)

به طور کلی، در ابتدای رشد گیاه، سرعت رشد نسبی تا حدودی افزایش می یابد، ولی با گذشت زمان و افزایش سن گیاه رو به کاهش می گذارد (Ganjali et al., 2000). این روند در این تحقیق نیز مشاهده شد، به طوری که در هر چهار رقم کلزای مورد مطالعه با افزایش درجه روز-رشد، میزان RGR کاهش یافت (شکل های ۱۳ و ۱۴) و بین ارقام کلزا از نظر مقدار سرعت رشد نسبی، در سطح احتمال یک درصد اختلاف معنی داری وجود داشت (جدول ۲) به طوری که رقم ساری گل (PF7045/91) با میانگین ۴/۲۹ بیشترین و رقم Hyola308 با میانگین ۴/۲۶ کمترین سرعت رشد نسبی را دارا بودند (جدول ۳). تغییرات سرعت رشد نسبی برای فواصل کاشت ۲۰، ۲۵ و ۳۰ سانتی متر در دو سال آزمایش نیز مؤید کاهش سرعت رشد نسبی با افزایش درجه روز رشد بود (شکل های ۱۵ و ۱۶). نتایج حاصل با نتایج گنجعلی و همکاران (Ganjali et al., 2000) و کلر و نیکوئیست (Koller and Nyquist, 1970) مبنی بر روند نزولی RGR با افزایش درجه روز رشد مطابقت داشت. با توجه به تعریف سرعت رشد نسبی که عبارت است از وزن خشک اضافه شده نسبت به وزن اولیه در واحد زمان و با توجه به نتایج حاصل از این تحقیق، می توان نتیجه گرفت که رقم ساری گل (PF7045/91) و فاصله ردیف کاشت ۲۰ سانتی متر با گذشت زمان و افزایش درجه روز رشد، وزن خشک بیشتری نسبت به وزن اولیه گیاه در هر نمونه برداری اضافه کردند. بالا بودن RGR در رقم ساری گل (PF7045/91) نشان دهنده توان رقابتی بالای این رقم نسبت به ارقام دیگر در اراضی شالیزاری بود و فاصله ردیف کاشت ۲۰ سانتی متر به دلیل توزیع یکنواخت تر بوته ها در واحد سطح و نفوذ متعادل تابش در پوشش گیاهی توانست حداکثر RGR را بوجود

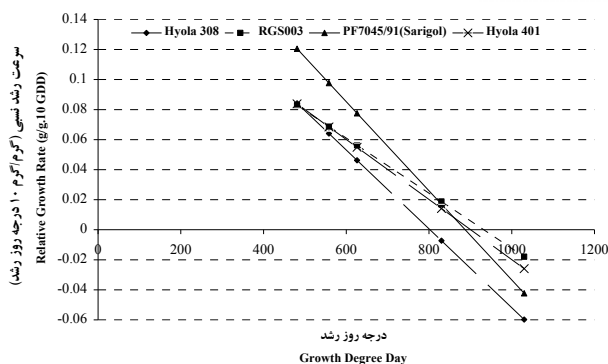
آورد.

سرعت رشد محصول (CGR)

نتایج حاصل از دو سال آزمایش نشان داد که بین ارقام کلزا از نظر مقدار سرعت رشد محصول در سطح احتمال یک درصد اختلاف معنی داری وجود داشت (جدول ۲). رقم ساری گل (PF7045/91) با میانگین ۹/۲۵ بیشترین و رقم Hyola308 با میانگین ۵/۱۵ کمترین سرعت رشد گیاه را داشتند (جدول ۳). بین فواصل ردیف کاشت از نظر سرعت رشد محصول اختلاف معنی داری مشاهده نشد اما با کاهش فاصله بین ردیف ها سرعت رشد محصول افزایش یافت و در فاصله ردیف کاشت ۲۰ سانتی متر به حداکثر خود رسید (شکل های ۱۹ و ۲۰).

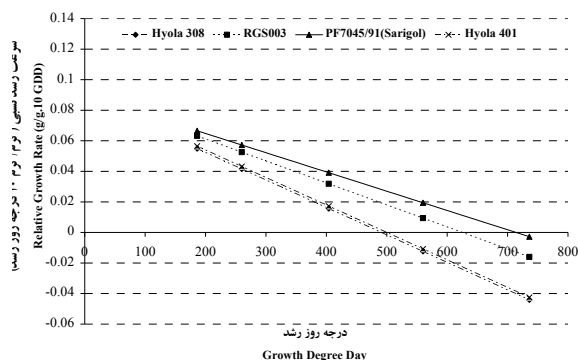
بین سرعت رشد محصول و مقدار تابش جذب شده توسط برگ های یک گیاه رابطه مستقیم وجود دارد، به طوری که در ابتدا و انتهای فصل رشد به دلیل کامل نبودن پوشش گیاهی و کم بودن سطح دریافت کننده تابش (برگ ها) و در نتیجه درصد کم جذب تابش، مقدار دریافت تابش کم و در نتیجه ماده خشک کمتری تولید شده و مقدار CGR هم کم بود (شکل های ۱۷ و ۱۸). اما با رشد سریع گیاه و افزایش سطح برگ، جذب تابش و CGR افزایش یافت (Habibzadeh et al., 2006; Ahmadvand and Koochaki, 1998; Egli, 1988). اگرچه در ابتدای فصل رویش گیاه، به دلیل محدود بودن سطح فتوسنتز کننده تفاوت بین فواصل کاشت از نظر سرعت رشد گیاه چندان چشمگیر نبود، ولی این اختلاف در زمان گلدهی بیشتر شد. علت افزایش CGR در فاصله ردیف کاشت ۲۰ سانتی متر نسبت به فواصل ردیف کاشت ۲۵ و ۳۰ سانتی متر را می توان چنین توجیه کرد که با کاهش فاصله ردیف های کاشت، توزیع بوته ها و سطح برگ در واحد سطح یکنواخت تر شده و برگ ها موقعیت مناسب تری برای جذب تابش و فتوسنتز پیدا کرده و در نتیجه مقدار CGR افزایش می یابد. برخی از محققان معتقدند که

"اثر فواصل ردیف کاشت بر درصد جذب..."



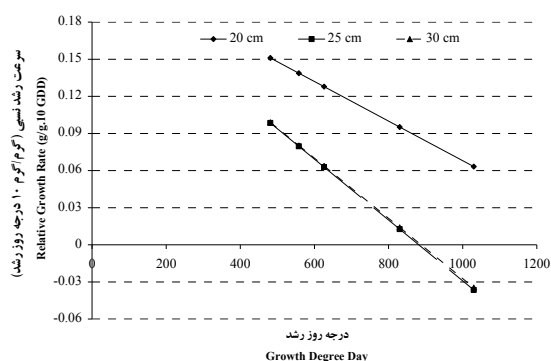
شکل ۱۴- تغییرات سرعت رشد نسبی برای چهار رقم کلزا در سال زراعی ۱۳۸۳-۱۳۸۴

Fig. 14. Variation in Relative Growth Rate for four rapeseed cultivars in 2004-2005 cropping season



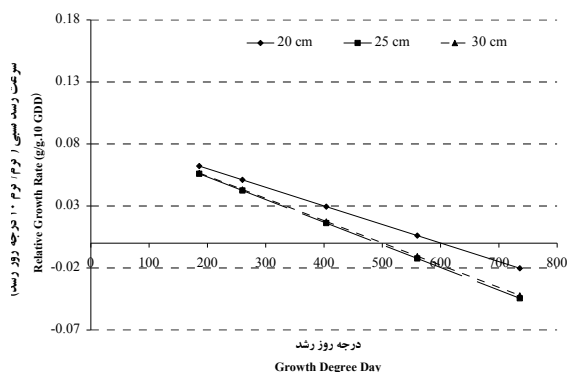
شکل ۱۳- تغییرات سرعت رشد نسبی برای چهار رقم کلزا در سال زراعی ۱۳۸۲-۱۳۸۳

Fig. 13. Variation in Relative Growth Rate for four rapeseed cultivars in 2003-2004 cropping season



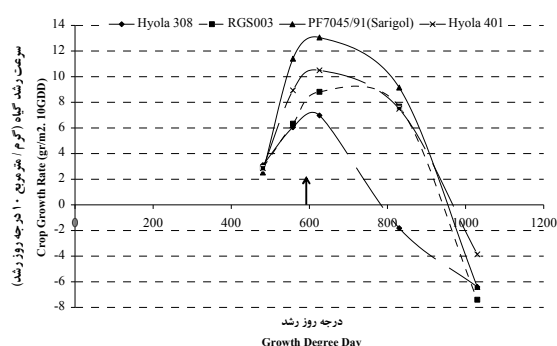
شکل ۱۶- تغییرات سرعت رشد نسبی برای سه فاصله ردیف کاشت در سال زراعی ۱۳۸۳-۱۳۸۴

Fig. 16. Variation in Relative Growth Rate for three row spacing in 2004-2005 cropping season



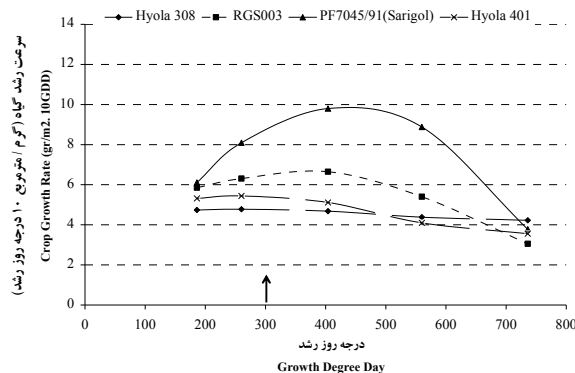
شکل ۱۵- تغییرات سرعت رشد نسبی برای سه فاصله ردیف کاشت در سال زراعی ۱۳۸۲-۱۳۸۳

Fig. 15. Variation in Relative Growth Rate for three row spacing, in 2003-2004 cropping season



شکل ۱۸- تغییرات سرعت رشد محصول برای چهار رقم کلزا در سال زراعی ۱۳۸۳-۱۳۸۴

Fig. 18. Variation in crop growth rate for four rapeseed cultivars in 2004-2005 cropping season

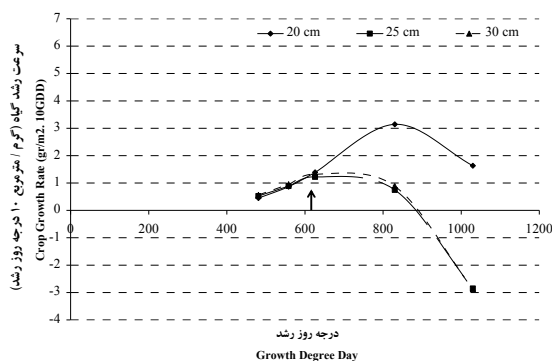


شکل ۱۷- تغییرات سرعت رشد محصول برای چهار رقم کلزا در سال زراعی ۱۳۸۲-۱۳۸۳

Fig. 17. Variation in crop growth rate for four rapeseed cultivars in 2003-2004 cropping season

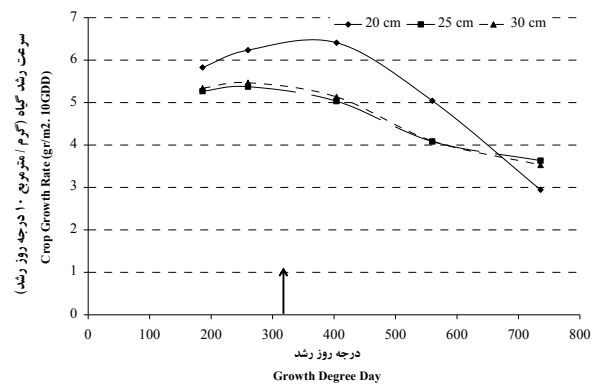
(پیکان‌ها نشان دهنده ی میانگین زمان گلدهی ارقام کلزا می باشد)

(The arrows indicate the mean of flowering time for rapeseed cultivars)



شکل ۲۰- تغییرات سرعت رشد محصول برای سه فاصله ردیف در سال زراعی ۱۳۸۳-۱۳۸۴

Fig. 20. Variation in crop growth rate for three row spacing, in 2004-2005 cropping season



شکل ۱۹- تغییرات سرعت رشد محصول برای سه فاصله ردیف در سال زراعی ۱۳۸۲-۱۳۸۳

Fig. 19. Variation in crop growth rate for three row spacing, in 2003-2004 cropping season

(پیکان‌ها نشان دهنده ی میانگین زمان گلدهی ارقام کلزا می باشد)

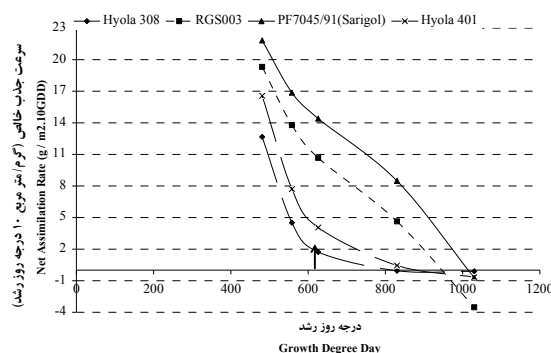
(The arrows indicate the mean of flowering time for rapeseed cultivars)

نزولی است و با افزایش سن گیاه، به علت سایه اندازی برگ ها روی هم و پیر شدن برگ ها، فتوسنتز خالص برگ کم می شود. محققان اظهار داشته اند که نوع الگوی پوشش گیاهی، حتی در صورت ثابت بودن تعداد گیاهان در واحد سطح، بر NAR مؤثر است و بنابراین کارایی فتوسنتز جامعه گیاهی در الگوهای مختلف کاشت، متفاوت خواهد بود (Ganjali *et al.*, 2000). به همین دلیل این نوع جامعه گیاهی احتیاج به سطح برگ کافی با توزیع یکنواخت دارد تا سطح زمین را در مدت کمی به طور کامل پوشاند. منحنی تغییرات فتوسنتز خالص در ارقام کلزای مورد مطالعه در دو سال آزمایش نشان داد که در مراحل ابتدایی رشد گیاه به دلیل کم بودن سطح برگ و عدم سایه اندازی آنها روی یکدیگر و در نتیجه حداقل رقابت نوری، سرعت جذب خالص حداکثر بود، اما با افزایش درجه روز رشد (گذشت زمان) و افزایش سطح برگ و سایه اندازی برگ ها روی یکدیگر، منحنی NAR باشیب تندتری کاهش یافت و در نهایت با پیر شدن برگ ها، راندمان تولید در هر برگ کاهش یافت و NAR به حداقل مقدار

CGR رابطه مستقیمی با سطح فتوسنتز کننده دارد (Shibles and Weber, 1995; Habibzadeh *et al.*, 2006). به نظر می رسد که اختلاف جذب تابش در فواصل مختلف کاشت، عامل مهم تغییرات CGR است. در آخر فصل رشد کاهش در روند CGR مشاهده شد و این کاهش زمانی رخ داد که گیاه به جای تولید مواد فتوسنتزی، بیشتر به انتقال مجدد آنها از اندام های مختلف به دانه ها پرداخت و به همین دلیل مقدار CGR منفی شد (شکل ۱۸).

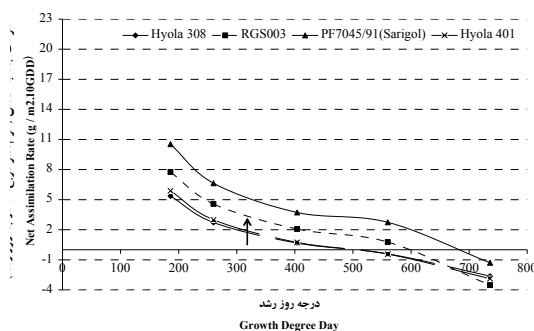
سرعت جذب خالص (NAR)

سرعت جذب خالص عبارتست از مقدار ماده خشک تولید شده در واحد سطح برگ در واحد زمان است که شباهت خیلی زیادی به CGR دارد. مقدار جذب خالص تخمینی از فتوسنتز خالص برگ است. مقدار جذب خالص زمانی در حداکثر مقدار خود است که تمامی برگ ها به طور کامل تابش خورشیدی را دریافت کنند. این مقدار با زمانی که اندازه گیاهان کوچک است و برگ ها به اندازه ای هستند که روی یکدیگر سایه اندازی ندارند، منطبق است. شکل منحنی NAR به صورت



شکل ۲۲- تغییرات سرعت جذب خالص برای
چهار رقم کلزا در سال زراعی ۱۳۸۳-۱۳۸۴

Fig. 22. Variation in net assimilation rate for four rapeseed cultivars in 2004-2005 cropping season

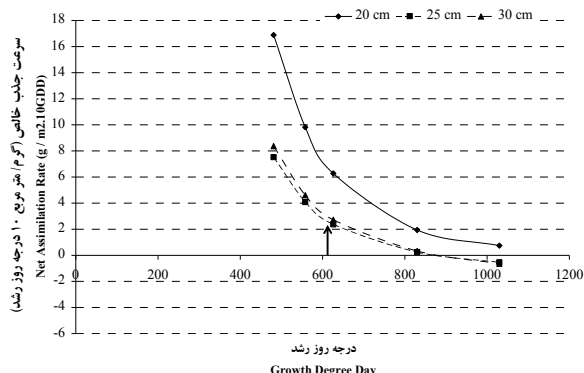


شکل ۲۱- تغییرات سرعت جذب خالص برای
چهار رقم کلزا در سال زراعی ۱۳۸۲-۱۳۸۳

Fig. 21. Variation in net assimilation rate for four rapeseed cultivars in 2003-2004 cropping season

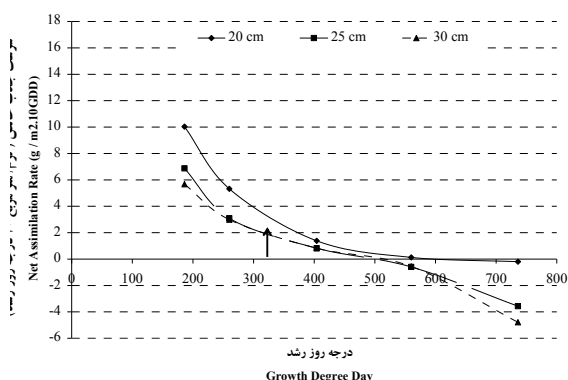
(پیکان‌ها نشان دهنده ی میانگین زمان گلدهی ارقام کلزا می باشد)

(The arrows indicate the mean of flowering time for rapeseed cultivars)



شکل ۲۴- تغییرات سرعت جذب خالص برای سه فاصله
ردیف کاشت در سال زراعی ۱۳۸۳-۱۳۸۴

Fig. 24. Variation in net assimilation rate for three row spacing in 2004-2005 cropping season



شکل ۲۳- تغییرات سرعت جذب خالص برای سه فاصله
ردیف کاشت در سال زراعی ۱۳۸۲-۱۳۸۳

Fig. 23. Variation in net assimilation rate for three row spacing in 2003-2004 cropping season

(پیکان‌ها نشان دهنده ی میانگین زمان گلدهی ارقام کلزا می باشد)

(The arrows indicate the mean of flowering time for rapeseed cultivars)

۲۰ سانتی متر با میانگین ۱۰/۲۵ گرم بر متر مربع در ۱۰ درجه روز بیشترین و فاصله ردیف کاشت ۳۰ سانتی متر با میانگین ۱۰/۱۲ گرم بر متر مربع در ۱۰ درجه روز، کمترین سرعت جذب خالص را دارا بودند (جدول ۳). به نظر می رسد که رقابت شدید برای دریافت تابش و به

خود رسید (شکل های ۲۱، ۲۲، ۲۳ و ۲۴). رقم ساری گل (PF7045/91) با میانگین ۱۵/۸۹ گرم بر متر مربع در ۱۰ درجه روز رشد بیشترین و رقم Hyola308 با میانگین ۶/۹۹ گرم بر متر مربع در ۱۰ درجه روز کمترین سرعت جذب خالص را داشتند (جدول ۳). فاصله ردیف کاشت

دنبال آن کاهش سهم هر برگ برای جذب تابش از علل اصلی حداقل بودن NAR در فاصله ردیف کشت ۳۰ سانتی متر بود، در حالی که در فاصله ردیف کاشت ۲۰ سانتی متر به دلیل رقابت کمتر بین گیاهان و نفوذ مناسب تر تابش به داخل پوشش گیاهی و افزایش جذب تابش، مقدار NAR نسبت به دو فاصله ردیف کاشت دیگر در حداکثر قرار داشت. همچنین بالاتر بودن NAR در رقم ساری گل (PF7045/91) نشان دهنده کارایی فتوسنتزی بالای برگ های این رقم است. نتایج حاصل با نتایج گنجعلی و همکاران (Ganjali *et al.*, 2000) و احمدوند و کوچکی (Ahmadvand and Koocheki, 1998) و حبیب زاده و همکاران (Habibzadeh *et al.*, 2006) مبنی بر نزولی بودن روند NAR با افزایش درجه روز رشد مطابقت داشت. کلارک و سیمپسون (Clarke and Simpson, 1978a) نشان دادند که مقدار NAR در اواخر دوره رشد گیاه و در هنگام پر شدن دانه ها اندکی افزایش می یابد. این افزایش در NAR بعد از توقف گلدهی و در زمان به حداکثر رسیدن تعداد خورجین ها، صورت می گیرد.

نتیجه گیری کلی

نتایج حاصل از این آزمایش نشان داد که رقم ساری گل (PF7045/91) دارای حداکثر سرعت رشد نسبی (RGR)، سرعت رشد گیاه (CGR)، شاخص سطح برگ

(LAI) و سرعت جذب خالص (NAR)، درصد جذب تابش، عملکرد دانه و درصد روغن دانه بود و بنابراین کشت این رقم پس از برداشت برنج با موفقیت امکان پذیر است. در ضمن با توجه به اینکه ارقام RGS003، Hyola401، از لحاظ خصوصیات فوق با اختلاف کمی از رقم ساری گل (PF7045/91) در یک گروه آماری قرار داشتند، این ارقام نیز برای مناطقی که کشت برنج زودتر آغاز می شود، به دلیل زودرس تر بودن نسبت به رقم ساری گل (PF7045/91) و فراهم شدن فرصت کافی برای آماده سازی زمین و نشاکاری برنج، قابل توصیه هستند. با توجه به اینکه سه فاصله ردیف ۲۵، ۲۰ و ۳۰ سانتی متر تفاوت معنی داری با یکدیگر نداشتند، با این وجود فاصله ردیف کاشت ۲۰ سانتی متر از لحاظ صفات ذکر شده رتبه اول را داشت و به نظر می رسد که در کشت کلزا، فواصل ردیف کمتر و به عبارت دیگر آرایش کاشت هم فاصله تر (مربع) قابل توصیه می باشد. در زراعت کلزا، کاهش فاصله ردیف های کاشت در تراکم ثابت، موجب توزیع یکنواخت تر گیاهان در واحد سطح می شود و این توزیع یکنواخت، رقابت بین بوته ها را در جذب آب قابل دسترس، مواد غذایی و تابش کاهش داده و مقدار جذب تابش و عملکرد بیولوژیک را افزایش می دهد و بنابر این محصول می تواند از عوامل محیطی مؤثر در رشد آن بهتر استفاده کرده و عملکرد آن افزایش یابد.

References

منابع مورد استفاده

- Ahmadvand, G. and A. Koocheki. 1998. The effect of population and planting pattern on yield and physiological characteristics of soybean as a double crop in Mashhad. J. Agric. Sci. Technol. 12(1): 15-22.
- Allen, E. J. and D. J. Morgan. 1972. A quantitative analysis of the effects of nitrogen on the growth, development and yield of oilseed rape. J. Agric. Sci. Camb. 78: 315-324.
- Andrade, F. H. and P. Calvino. 2002. Yield responses to narrow rows depend on increased radiation interception. Agron. J. 94: 975-980.
- Beheshti, A., A. Koocheki and M. Nasiri Mahallati. 2002. The effect of planting pattern on light interception and radiation use efficiency in canopy of three maize cultivars. Seed and Plant 18(4): 417-431.

- Canvin, D. T. 1965.** The effect of temperature on the oil content and fatty acid composition of the oils from several oilseed crops. *Can. J. Bot.* 43: 63-69.
- Clarke, J. M. and G. M. Simpson. 1978a.** Growth analysis of *Brassica napus* cv. Tower. *Canadian. J. Plant. Sci.* 58: 587-595.
- Cooper, R. K. 1997.** Response of soybean cultivars to narrow rows and planting rates under weed-free conditions. *Agron. J.* 69: 89-92.
- Duncan, W. G. 1986.** Planting pattern and soybean yield. *Crop Sci.* 26: 584-586.
- Dwyer, L. M., D. W. Stewart, R. I. Hamilton and L. Honwing. 1992.** Ear position and vertical distribution of leaf area in corn. *Agron. J.* 8: 430-438.
- Egli, D. B. 1988.** Plant density and soybean yield. *Crop Sci.* 28: 977-980.
- Egli, D. B. and Y. Zhen. Wen. 1991.** Crop growth rate and seed per unit area in soybean. *Agron. J.* 31: 439-442.
- Faraji, A. 2004.** Effect of row spacing and seed rate on yield and yield components of rapeseed (cv. Quantum) in Gonabad. *Seed and Plant.* 3:297-314.
- Gabrielle, B., P. Denoroy, G. Goose, E. Justes and M. N. Andersen. 1998.** A model of leaf area development and senescence for winter oilseed rape. *Field Crops Research.* 57: 209-222
- Ganjali, A. and A. Majidi. 1997.** Effect of planting pattern and density on yield, yield components and photosynthetic ability in soybean (*Glycine max* L.). *J. Agric. Sci. Technol.* 11(2): 33-41.
- Ganjali, A., S. Malekzadeh and A. Bagheri. 2000.** Effect of plant population and planting pattern on trend of growth indices of chickpea (*Cicer arietinum* L.) in Neishabour region. *J. Agric. Sci. Technol.* 12(9): 33-41.
- Habibzadeh, Y., R. Mamghani and A. Kashani. 2006.** Effects of plant density on grain yield and some morpho-physiological traits in three Mungbean (*Vigna radiate* L.) genotypes under Ahvas conditions. *Iranian J. Crop Sci.* 8 (1): 66-78.
- Hosseinzadeh, M. H., M. Esfahani, B. Rabiei and M. Rabiee. 2007.** Effect of row spacing on grain yield and its components and radiation use efficiency in four rapeseed (*Brassica napus* L.) cultivars grown in paddy fields in Guilan. *Iranian J. Crop Sci.* 9 (3): 263-281.
- Jasinska, Z., W. Malarz, W. Budzynski and K. Majkowski. 1991.** Effect of row spacing and sowing rate on the development and yields of winter rape. *Field Crop Abstracts.* 44 (4): 235-249.
- Johnson, B. L. and B. K. Hanson. 2003.** Row-Spacing interception on spring canola performance in the Northern Great Plains. *Agron. J.* 95: 703-708.
- Keating, B. A. and P. S. Carberry. 1993.** Resource captures and use in intercropping solar radiation. *Field Crops Research.* 34: 273-301.
- Khaiaim, S., D. Mazaheri., M. Banayan Aval., J. Gohari and M. Jahansoz. 2002.** Determination of sugar beet extinction coefficient and radiation use efficiency at different plant densities and nitrogen use levels. *Sugar Beet.* 18 (1): 51-66.

- Koller, H. R. and W. E. Nyquist. 1970.** Growth analysis of the soybean community. *Crop Sci.* 10: 407-412.
- Mailer, R. J. and P. S. Cornish. 1987.** Effect of water stress on glucosinolate and oil concentrations in the seeds of rape (*B. napus*) and turnip rape (*B. rapa*). *Aust. J. Agric. Res.* 27: 707-711.
- Morrison, M. J., P. B. E. McVetty and R. Scarth. 1990a.** Effect of altering plant density on growth characteristics of summer rape. *Can. J. Plant Sci.* 70: 139-149.
- Morrison, M. J., P. B. E. McVetty and R. Scarth. 1990b.** Effect of row spacing and seeding rate on summer rape in southern Manitoba. *Can. J. Plant Sci.* 70: 127-137.
- Muchow, R. C., T. R. Sinclair and I. M. Rennehl. 1990.** Temperature and solar radiation effects on potential maize yield across locations. *Agron. J.* 82: 238-343.
- Nasiri, M., M. Z. Noori., A. Alinezhad and Ch. Liogen. 2004.** Determination of photosynthetic organ contribution on grain yield of rapeseed. Seminar of opportunities and challenges of second cropping development in paddy fields, emphasizing rapeseed. Rice Research Institute of Iran. (Nov. 2-3, Rasht, Iran).
- Ozer, H. 2003.** The effect of plant population densities on growth, yield and yield components of two spring rapeseed cultivars. *Plant Soil Env.* 49(9): 422-426.
- Rabiei, M. and F. Safa. 2004.** Effect of different layers of canopy on yield and yield components of rapeseed cultivars in different planting dates. Seminar of opportunities and challenges of second cropping development in paddy fields, emphasizing rapeseed. Rice Research Institute of Iran. (Nov. 2-3, Rasht, Iran).
- Rabiei, M. M. Karimi and F. Safa. 2004.** Effect of planting dates on grain yield and agronomic characteristics of rapeseed cultivars as a second crop after rice at Kouchesfahan. *Iranian J. Agric. Sci.* 35(1):177-187.
- Rao, M. S. S., N. J. Mendham and G. C. Buzza. 1991.** Effect of the apetalous flower character on radiation distribution in the crop canopy, yield and its components in oilseed rape (*Brassica napus* L.). *J. Agri. Sci. Camb.* 117: 189-196.
- Scott, R. K., E. A. Ogunremi, J. D. Ivins and N. J. Mendham. 1973a.** The effect of sowing date and season on growth and yield of oilseed rape (*Brassica napus*). *J. Agric. Sci. Camb.* 81: 277-285.
- Scott, R. K., E. A. Ogunremi, J. D. Ivins and N. J. Mendham. 1973b.** The effect of fertilizer and harvest date on growth and yield of oilseed rape sown in autumn and spring. *J. Agric. Sci. Camb.* 81: 287-293.
- Shaw, R. H. and C. R. Weber. 1967.** Effect of canopy arrangements on light interception and yield of soybean. *Agron. J.* 59:155-159.
- Shibles, R. M. and C. R. Weber. 1995.** Leaf area, solar radiation interception and dry matter production by soybeans. *Crop Sci.* 5: 575-577.
- Sidlauskas, G. and S. Bernotas. 2003.** Some factors affecting seed yield of spring oilseed rape (*Brassica napus* L.). *Agron. Research.* 1(2): 229-243.
- Singer, J. W. 2001.** Soybean light interception and yield response to row spacing and biomass removal. *Crop Sci.* 41: 424-429.

- Sylvester Bradley, R. and R. J. Makepeace. 1984.** A code for stage of development in oilseed rape (*Brassica napus* L.). Aspects of Applied Biology. 6: 399-419.
- Thurling, N. 1974.** Morphological determinants of yield in rapeseed (*Brassica campestris* & *B. napus*). I. Growth and morphological characters. Aust. J. Agric. Res. 25: 697-710.
- Wells, R. 1991.** Soybean growth response to plant density. Relationship among canopy photosynthesis, leaf area and light interception. Crop Sci. 31: 755-761.

Effect of row spacing on light interception, grain yield and growth indices of rapeseed (*Brassica napus* L.) cultivars as second crop following rice

Hosseinzadeh¹, M. H., M. Esfahani², M. Rabiei³ and B. Rabiei⁴

ABSTRACT

Hosseinzadeh, M. H., M. Esfahani, M. Rabiei and B. Rabiei. 2008. Effect of row spacing on light interception, grain yield and growth indices of rapeseed (*Brassica napus* L.) cultivars as second crop following rice. *Iranian Journal of Crop Sciences*. 10(3): 281-302 (in Persian).

Effect of row spacing on grain yield and variation in growth indices of rapeseed (*Brassica napus* L.) cultivars as second crop following rice was investigated in a paddy fields at Rice Research Institute of Iran (Rasht), in 2003-2004 and 2004-2005 growing seasons. The experiment was conducted as a split plot in randomized complete block design with four replications. The main plots consisted of four rapeseed cultivars: Hyola308, RGS003, PF7045/91(Sarigol) and Hyola401 and the sub-plots were three row spacing: 20, 25 and 30 cm at constant plant densities (40 plant/m²). Results showed that PF7045/91 (Sarigol) ranked the first in relative growth rate (4.29 g/g.10GDD), crop growth rate (9.25g/m².10GDD), leaf area index (1.89) and net assimilation rate (15.89 g/m².10GDD), grains yield(2043 kg/ha) and oil content (34.19%) was significantly different with the other cultivars. Hyola308 ranked the last among cultivars. Row spacing of 20 cm ranked the first in relative growth rate (4.28 g/g.10GDD), crop growth rate (6.98 g/m².10GDD), leaf area index (1.706), net assimilation rate (10.25 g/m².10GDD), grains yield (1777 kg/ha) and oil content (33.35%) and were significantly different from other row spacings in LAI and NAR indices. Results also showed that PF7045/91 (Sarigol) ranked the first in light interception (LI%) and Hyola308 ranked the last (75.5% and 61.5%, respectively). Row spacing of 20 cm ranked the first in light interception (68.5%). Therefore, PF7045/91 (Sarigol) ranked the first in relative growth rate, crop growth rate, leaf area index, and net assimilation rate, grains yield, oil content and light interception. Row spacing of 20 cm also ranked the first for these traits.

Key words: Growth indices, Light interception, Rapeseed (*Brassica napus* L.), Row spacing, Grains yield , Oil content.

Received: May, 2008.

1- Former M.Sc. Student, the University of Guilan, Rasht, Iran.

2- Associate Prof., the University of Guilan, Rasht, Iran (Corresponding author). E-mail: mesfahan@yahoo.com

3- Researcher, Rice Research Institute of Iran, Rasht, Iran.

4- Assistant Prof., the University of Guilan, Rasht, Iran.